



Imperative Constructions and Paradigms in Persian

Rahman Veisi Hahsar¹, Babak Sharif²

1. Correspondent author, Assistant Professor, Department of English Language and Linguistics, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. E-mail: veisirahman@yahoo.com
2. Ph.D. in Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Foreign Languages, University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-mail: B_sharif@atu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2 June 2021

Received in revised form:

9 March 2021

Accepted: 11 March 2021

Available online: 21 March 2022

Keywords:

imperative construction,
canonical imperative,
non-canonical imperative,
imperative strategy,
Persian.

ABSTRACT

The present study aims at investigating the imperative construction and its paradigm in Persian. To this aim, the canonical imperative construction in Persian will be explained first, and the non-canonical ones will be studied thereafter. The results show that Persian has two imperative constructions, namely minimal and maximal. The minimal construction is specified for the second-person singular subjects, and the maximal one is applied for non-second-person-singular subjects, which are formally heterogeneous with minimal construction, but which are in complementary distribution with it. In addition to these two constructions, it is argued that there are four analytical constructions that are mainly based on grammaticalized motion verbs and that are combined with the main verb to convey directive meanings as their secondary function in certain contexts and as an imperative strategy (not construction). The primary meaning and function of these constructions refer to hortative or optative meanings. These constructions, as opposed to non-canonical constructions, are not in complementary distribution with the second person singular subjects. Apart from these constructions, there are some other imperative strategies such as modal, declarative, and interrogative constructions.

Cite this article: Veisi Hahsar, R., Sharif, B. (2022). Imperative Constructions and Paradigms in Persian. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 10 (1), 99-116.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2021.6083.1556



ساخت‌ها و راهبردهای امری در زبان فارسی

رحمان ویسی حصار^۱، بابک شریف^۲

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجه، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

رایانامه: veisirahman@yahoo.com

۲. دکترای زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: B_sharif@atu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوشتار پیش رو ساخت امری و صیغگان آن را در زبان فارسی بررسی کرده است. بدین منظور ابتدا ساخت امری متعارف و سپس ساخت‌های غیر متعارف در این زبان توصیف شده است. نتایج نشان می‌دهد که فارسی دو ساخت امری کمینه و بیشینه دارد. ساخت کمینه متعارف پیرامون فاعل دوم‌شخص مفرد و ساخت بیشینه نامتعارف پیرامون فاعل‌های غیر دوم‌شخص مفرد شکل می‌گیرد که به لحاظ صوری با ساخت کمینه ناهمگون هستند؛ ولی در توزیع تکمیلی با آن قرار دارند. افزون بر این دو ساخت، چهار ساخت تحلیلی نیز وجود دارد که به‌طور عمده بر افعال حرکتی دستوری شده متکی بوده و در برخی از بافت‌ها در ترکیب با فعل اصلی معنای ثانویه رهنمودی را به‌مثابه راهبرد (و نه ساخت) امری القا می‌کنند. معنا و نقش اولیه این ساخت‌ها عمدتاً ترغیبی و تهییجی است و برخلاف ساخت‌های امری نامتعارف در توزیع تکمیلی با فاعل دوم‌شخص مفرد نیستند. دیگر راهبردهایی که در زبان فارسی برای بیان امر به‌کار می‌روند، عبارت‌اند از ساخت وجهی، جملات خبری و پرسشی.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۲ خرداد ۱۴۰۰

تاریخ بازنگری: ۱۸ اسفند ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۰ اسفند ۱۴۰۰

دسترسی آنلاین: ۱ فروردین ۱۴۰۰

واژه‌های کلیدی:

ساخت امری،

امر متعارف،

امر غیر متعارف،

راهبرد امری،

فارسی.

استناد: ویسی حصار، رحمان؛ شریف، بابک (۱۴۰۱). ساخت‌ها و راهبردهای امری در زبان فارسی. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و

گویش‌های غرب ایران، ۱۰ (۱)، ۹۹-۱۱۶.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/JLW.2021.6083.1556

۱- مقدمه

جمله‌ها از نظر نقش ارتباطی^۱ به‌طور عمده به سه نوع خبری^۲، پرسشی^۳ و امری^۴ تقسیم می‌شوند (هادلستون^۵، ۱۹۸۴: ۳۵۰؛ لاینز^۶، ۱۹۷۷: ۷۴۹؛ برجولین و خراکوفکسی^۷، ۲۰۰۱: ۴). جملات خبری (مثال ۱) برای انتقال اطلاعات و جملات پرسشی (مثال ۲) برای درخواست اطلاع یا پرسش درباره چیزی به‌کار می‌روند.

(۱) باغ سیب واقع در کرج فروخته شد.

(۲) آیا باغ سیبی مانده است؟

در تقابل با این دو نوع، جملات امری برای ایفای نقش رهنمودی^۸ به‌کار می‌روند. نقش رهنمودی به هر پدیدار ارتباطی اشاره دارد که در آن گوینده می‌کوشد شنونده را به انجام‌دادن کاری وادار کند (سرل^۹، ۱۹۷۶: ۱۱). جری و کیسنه^{۱۰} (۲۰۱۶: ۱۲۱) معانی رهنمودی را شامل فرمان^{۱۱}، درخواست^{۱۲}، توصیه^{۱۳}، هشدار^{۱۴}، توصیه^{۱۵}، منع^{۱۶} و اذن^{۱۷} می‌دانند. مثال‌های (۳) تا (۵) به ترتیب سه مفهوم فرمان، درخواست و توصیه را نشان می‌دهند.

(۳) در را باز کن.

(۴) لطفاً بسته را پس بفرست.

(۵) برای آینده پول پس‌انداز کنید.

-
1. communicative function
 2. declarative
 3. interrogative
 4. imperative
 5. R. Huddleston
 6. J. Lyons
 7. L. Birjulin & V. Xrakovskij
 8. directive
 9. J. Searle
 10. M. Jary & M. Kissene
 11. command
 12. order
 13. suggestion
 14. warning
 15. advice
 16. prohibition
 17. permission

هر صورت دستوری خاصی که در سطح جمله اختصاصاً برای ایفای نقش ارتباطی ویژه‌ای به کار رود، یک جمله‌گونه^۱ خاص نامیده می‌شود (سداک و زویکی^۲، ۱۹۸۵: ۱۵۵؛ جری و کیسنه، ۲۰۱۴: ۱۱)؛ بنابراین اگر ساخت امری را جمله‌گونه‌ای مستقل بدانیم، این ساخت باید ویژگی‌های متمایز صورتی و معنایی مختص به خود را داشته باشد که آن را از دیگر جمله‌گونه‌ها متمایز سازد. این ویژگی‌های صورتی و معنایی ساخت امری را می‌توان هسته امری نامید که در نظریه‌های گوناگون به نام‌های ساخت امری متعارف^۳ (آیخنوالد^۴، ۲۰۱۰؛ آیخنوالد و دیکسون^۵، ۲۰۱۷)، ساخت امری مرکزی^۶ (برجولین و خراکوفسکی، ۲۰۰۱)، ساخت امری سرنمونی^۷ (تاکاهاشی^۸، ۲۰۱۲) یا تنها امری (جری و کیسنه، ۲۰۱۴) خوانده شده است. در مقابل، سایر ساخت‌هایی که این نقش رهنمودی را ایفا می‌کنند، ساخت‌های غیر متعارف^۹ (آیخنوالد، ۲۰۱۰)، حاشیه‌ای^{۱۰} (برجولین و خراکوفسکی، ۲۰۰۱) یا ترغیبی^{۱۱} (جری و کیسنه، ۲۰۱۴) نامیده شده‌اند.

۱-۱- رویکردهای نظری

به‌طور کلی می‌توان سه رویکرد نظری را به ساخت امری برشمرد. رویکرد اول، تلقی موسعی نسبت به این مفهوم دارد که در آن هر ساختی را با هر شخص و شماری می‌توان امری قلمداد نمود، به این شرط که نقش غالب آن بیان معنای رهنمودی باشد. متداول‌ترین نظریه‌ای که در این قالب می‌گنجد، نظریه برجولین و خراکوفسکی (۲۰۰۱) است که براساس آن، ساخت امری در سه ساحت تجویز^{۱۲} (تجویزگر و دریافت‌کننده تجویز)، ارتباط^{۱۳} (اطلاع‌دهنده و اطلاع‌گیرنده) و وضعیت تجویز شده^{۱۴} (عمل تجویز شده و کنش‌گر) تبیین می‌شود. این سه ساحت بدین قرار باهم امتزاج می‌یابند: گوینده (تجویزگر) میل به تحقق عمل الف دارد، بنابراین به شنونده (دریافت‌کننده تجویز) اطلاع می‌دهد که چه کسی باید

1. sentence type
2. J. M. Sadock & M. Zwicky
3. canonical construction
4. A. Aikhenvald
5. R. Dixon
6. central construction
7. prototypical construction
8. H. Takahashi
9. non-canonical construction
10. peripheral construction
11. hortative construction
12. prescription
13. communication
14. prescribed state of affairs

کنش‌گر عمل تجویز شده باشد. بدین ترتیب اگر چه گوینده شنونده را درباب عمل تجویز شده مطلع می‌کند (ساحت تجویز و ارتباط)، اما عمل‌گر کنش تجویز شده لزوماً شنونده نیست، بلکه می‌تواند خود گوینده، شنونده یا حتی فرد سوم بیرون از این ارتباط باشد (برجولین و خراکوفسکی ۲۰۰۱: ۵). اگر عامل شخص را نیز به این متغیرها اضافه کنیم، صیغگان امری شامل هفت عضو در سه گروه زیر خواهد بود (برجولین و خراکوفسکی ۲۰۰۱: ۱۷):

گروه اول: که شامل کنش‌گر دوم شخص مفرد و جمع است (مثال‌های ۶ و ۷)؛

گروه دوم: شامل کنش‌گر اول شخص مفرد، مثنی و جمع است (مثال‌های ۸، ۹ و ۱۰)؛

گروه سوم: شامل کنش‌گر سوم شخص مفرد و جمع است (مثال‌های ۱۱ و ۱۲).

مثال‌های زیر از زبان روسی (نقل از برجولین و خراکوفسکی ۲۰۰۱) اعضای سه گروه پیش‌گفته را به روشنی نشان می‌دهند:

(6) soj

sing-sg.

بخوان

(7) spojte

sing-pl.

بخوانید

(8) spoju

Sing-1sg.

بگذار بخوانم

(9) spojon

sing-1dual

بگذار بخوانیم

(10) spojomte.

sing-1pl.

بگذار بخوانیم

(11) pust' [on] spojot

let him sing

بگذار بخواند

(12) pust' [oni] spojut

let them sing

بگذار بخوانند

گفتنی است که صیغگان یادشده، آرمانی است و تمامی احتمالات ممکن را دربر می‌گیرد، ولی هر زبانی لزوماً دارای همه این امکانات نیست.

رویکرد دوم، نقش انحصاری برای ساخت امری متعارف قائل است. در این رویکرد، ساخت امری منحصر به ساخت دوم‌شخصی است که به بیان نقش‌های رهنمودی اختصاص دارد؛ برای مثال لاینز (۱۹۷۷: ۷۴۷) ساخت‌های موسوم به امری اول‌شخص و سوم‌شخص^۱ را امری حقیقی نمی‌داند و معتقد است در هر ارتباط زبانی برای انتقال امر، همیشه باید جفت فرستنده (آمر) و گیرنده (مأمور) حاضر باشند و در صورت غیاب یکی از این دو اساساً انتقال امر ناممکن است؛ بنابراین ساخت امری همیشه معطوف به شنونده^۲ دوم‌شخص است. جری و کیسنه (۲۰۱۴ و ۲۰۱۶) نیز تنها ساخت امری دوم‌شخص را امری می‌دانند و معتقد هستند ساخت‌های دیگر (معطوف به فاعل غیر دوم‌شخص) تنها در صورتی امری قلمداد می‌شوند که به‌لحاظ صوری (علائم مطابقه، ترتیب سازه‌ها و دیگر رفتارهای نحوی) پیرو ساخت هسته‌ای امری (دوم‌شخص) باشند. در این رویکرد ساخت‌هایی که برای بیان معانی رهنمودی استفاده می‌شوند، ولی به‌لحاظ صوری با ساخت هسته‌ای امری متفاوت هستند، ساخت ترغیبی^۳ قلمداد می‌شوند که نوعی راهبرد امری است.

به‌باور جری و کیسنه (۲۰۱۴) برای تبیین صیغگان^۳ امری و صورت‌های ترغیبی و راهبردهای امری در ابتدا باید هسته امری یک زبان را مشخص کرده و سپس با توسل به آن ابعاد دیگر این صیغگان را مشخص کرد. این رویکرد را می‌توان رویکرد تقلیل‌گرا دانست.

رویکرد سوم متعلق به آخنوالد (۲۰۱۰ و ۲۰۱۷) است که اگرچه ساخت امری دوم‌شخص را تنها صورت امری ممکن نمی‌داند، اما آن را همچون معیاری برای ارزیابی ساخت‌های غیر متعارف و جایگاه آن‌ها در صیغگان امری به‌کار می‌برد. وی ساخت‌های امری را به دو گونه متعارف و غیر متعارف تقسیم می‌کند. ساخت امری متعارف ساختی است که در آن معانی رهنمودی با صورت‌های دوم‌شخص بیان می‌شوند (مثال ۱۳ و ۱۴):

(۱۳) پنجره را ببند.

(۱۴) لطفاً سیگار نکشید.

1. jussive
2. hortative
3. paradigm

این ساخت ویژگی‌های صوری خاصی دارد که آن را از دیگر ساخت‌ها جدا می‌کند؛ برای مثال در زبان فارسی (مثال‌های بالا) فاعل نحوی جمله در این ساخت حذف شده و فعل با پیشوند ب- یا ن- ظاهر می‌شود. در زبان کردی نیز این ساخت علائم مطابقت خاص خود را داراست (مثال‌های ۱۵ و ۱۶):

(15) b-i-nus-a.

ش- التزامی ۲ش.م.امری- نوشتن-

آن را بنویس.

(16) da-y-nus-i.

ش.م.خبری- نوشتن- ش- نمود ناقص

آن را می‌نویسی.

اگر معانی رهنمودی از راه صورت‌های خاص و با صیغه‌هایی غیر از دوم‌شخص بیان شوند، آن صورت‌ها امری غیر متعارف خواهند بود؛ برای مثال در زبان مجاری صورت‌های امری متعارف (برای دوم‌شخص) و نوع غیر متعارف (برای غیر دوم‌شخص) با ابزارهای صوری یکسانی بیان می‌شوند. در این زبان برای ساخت امری پسوند -j- به ستاک فعل چسبیده و پیش از وندهای شخص و شمار ظاهر می‌گردد و صورت امری را می‌سازد. همان‌گونه که در مثال‌های (۱۷) و (۱۸) مشاهده می‌شود برای امری دوم‌شخص مفرد و سوم‌شخص جمع از روشی یکسان استفاده شده است (آیخوالد ۲۰۱۰: ۵۰):

(17) var-j(al)

wait-imp-2sg

منتظر بمان

(18) var-j-anak

wait-imp-3pl

[بگذار] منتظر بمانند

اما در انگلیسی، برای بیان امر برای اشخاص غیر دوم‌شخص از صورت‌های بسیار متفاوت با امری دوم‌شخص، مثلاً برای بیان امر اول‌شخص یا سوم‌شخص از ساخت let استفاده می‌شود (مثال ۱۹ و ۲۰).

(19) Let us paint the car.

ماشین را رنگ کنیم.

(20) Let him leave the room.

بگذار از اتاق برود.

نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که هر ساخت غیر متعارف (در صورت عدم

همبستگی صوری با امری دوم‌شخص) تنها زمانی امری قلمداد خواهد شد که دو شرط بنیادی را داشته باشد. شرط اول، معنایی و شرط دوم ساختاری است. شرط نخست، این است که معنای اولیه و اصلی ساخت مربوطه معنای رهنمودی باشد؛ اما شرط دوم آن است که ساخت امری مربوطه در توزیع تکمیلی با ساخت امری متعارف باشد؛ برای مثال ساخت *Iet* در انگلیسی برای تمام اشخاص غیر از دوم‌شخص قابل اعمال است؛ بنابراین می‌توان آن را ساخت امری غیر متعارف نامید. این معیار صوری در واقع وابستگی ساختاری ساخت‌های امری غیر متعارف و متعارف را به هم نشان می‌دهد. در واقع در صیغگان غیر متعارف همیشه یک جایگاه خالی هست که تنها با همتای متعارف خود پر می‌شود. اگر ساختی یکی از این دو شرط را نداشته باشد، نمی‌توان آن را ساخت امری قلمداد کرد، بلکه آن را باید جزو راهبردهای امری به‌شمار آورد (آیخنوالد، ۲۰۱۰).

از مزیت‌های این رویکرد آن است که می‌تواند بدون معیار تقلیل‌گرایانه همبستگی صوری، صیغگان امری در هر زبانی را با وجود ناهمگونی صوری ساخت‌های آن به نحو سازمان‌یافته تبیین کند. به همین دلیل در نوشتار حاضر رویکرد سوم برای تبیین صیغگان امری در زبان فارسی برگزیده شد تا تنوع‌های صوری امری را در فارسی معیار به‌صورت ساختاری تبیین کنیم.

به جرأت می‌توان گفت که همه دستورهای زبان فارسی بنا به موضوع و ماهیت خود به‌طور طبیعی به فعل امر و صیغه‌های آن پرداخته‌اند؛ همچنین وجه امری، یکی از وجوه فعل است که در بیشتر دستورها شرح آن آمده است؛ بنابراین در این بخش برای رعایت اختصار از ذکر آثار بسیار متعدّد دستورنویسان صرف نظر کرده و تنها به معرفی چند تحلیل زبان‌شناختی چارچوب‌مند اکتفا می‌شود.

عباسی و باقری (۱۳۹۵) ساخت امری و جملات دارای مفهوم امری را از دیدگاه رده‌شناختی و در پنج موضوع ناچیز بودن تصریف امری، مخاطبان ساخت امری، امکان درونه‌ای شدن جملات امری، وجود فاعل‌های تهی و عناصر تصریفی فعلی (زمان، نمود، وجه و جهت) بررسی می‌کنند و ویژگی‌های رده‌شناختی امر در زبان فارسی را به این شرح برمی‌شمرند: تصریف امری برای فاعل دوم‌شخص مفرد کمینه است (فعل امر در دوم‌شخص شناسه ندارد)؛ امکان مخاطب قراردادن همه شخص‌های دستوری وجود دارد؛ درونه‌ای شدن ساخت‌های امری مجاز است؛ فاعل‌های تهی در ساخت‌های امری امکان حضور دارند؛ و کاربرد زمان حال و گذشته، نمود کامل ناقص، وجه اخباری و التزامی و جهت (معلوم و مجهول) در بیان امر امکان‌پذیر است.

مغانی (۱۳۹۷) جملات امری را از دیدگاه معنی‌شناسی صوری تحلیل می‌کند و معتقد است این

جملات افزون بر معنای دستوری به‌مثابه نیروی منظوری پیش‌فرض در لایه زیرین، از طیف وسیعی از نیروهای منظوری دیگر همچون «قدغن» و «درخواست» نیز برخوردار هستند که ناشی از تأثیر عوامل موقعیتی خاصی است که جمله امری در آن‌ها به‌کار می‌رود؛ بنابراین تبیین خوانش‌های مختلف ساخت‌های امری مستلزم پیوند معنی‌شناسی و کاربردشناسی است.

دبیرمقدم و شوقی (۱۳۹۷) با رویکرد شناختی و به روش پیکره‌ای به بررسی توصیفی - تحلیلی ساخت امری در زبان فارسی می‌پردازند و انواع ساخت امری، بسامد وقوع و الگوی مورد استفاده افعال پرکاربرد را دسته‌بندی می‌کنند. ایشان ساخت امری فارسی را به انواع ساده، شرطی، مجهول، حذفی، دعا و نفرین و نقش‌نمای گفتمانی دسته‌بندی و توجه کرده‌اند که برخی ساخت‌های امری دارای کارکرد غیر امری هستند.

ملکی ارفعی و همکاران (۱۳۹۸) وجه امری در آثار ادبیات داستانی را بررسی کرده و ساخت‌های نحوی متنوعی را که بر مفهوم امر دلالت دارند، برمی‌شمرند و نشان می‌دهند که گاهی جملات خبری یا جملات پرسشی نیز برای افاده امر و نهی به‌کار می‌روند.

هر یک از آثار یادشده بر جنبه‌ای از فعل امر متمرکز شده‌اند و برخی از ویژگی‌های صوری، معنایی و کاربردشناختی این مقوله را بررسی کرده‌اند. در نوشتار حاضر می‌کوشیم توصیفی نظام‌مند از صیغگان متعارف و غیر متعارف فعل امر در فارسی ارائه کرده و سپس راهبردهای بدیل برای بیان مفاهیم رهنمودی را برشمریم.

۲- چارچوب نظری

براساس آنچه در بخش قبل گفته شد، برای ترسیم صیغگان امری در هر زبان در مرحله اول باید ساخت امری متعارف را تحلیل کرد که هسته امری را در آن زبان پدید می‌آورد. ساخت متعارف یا هسته‌ای، حاوی ویژگی‌های معنایی و صوری است که آن را از دیگر ساخت‌ها تفکیک می‌کند. جری و کیسنه (۲۰۱۴: ۷۶ به بعد) مشخصه‌های معنایی ساخت امری متعارف را به شرح زیر بیان می‌کنند:

الف: مدلول فاعل جمله امری باید مخاطب آن گفته باشد.

ب: مخاطب باید کنش‌گر عمل توصیف‌شده در آن گفته باشد.

ج: نوع موقعیتی که جمله امری بر آن دلالت می‌کند، باید پویا باشد، نه ایستا.

د: جمله امری نباید قوه تصدیقی^۱ داشته باشد، یعنی نباید گزاره‌ای معرفت‌شناختی یا الزامی اخلاقی را

بیان نماید که نوعاً به ترتیب با افعال وجهی معرفتی و تکلیفی بیان می‌شوند.
و: جمله امری محدود به بیان وضعیت‌های بالقوه است.

هرچه به هسته امری نزدیک‌تر شویم، این ویژگی‌ها حضور بیشتری دارند و هرچه از آن دورتر شویم، بخش عمده‌ای از این ویژگی‌ها حذف می‌شوند؛ برای مثال اگرچه در ساخت متعارف (مثال ۲۱) مخاطب امر همان کنش‌گر عمل تجویز شده است، اما در ساخت غیر متعارف (مثال ۲۲) فاعل جمله امری ممکن است سوم شخص (غیر مخاطب) باشد.

(21) Buy the car.

ماشین را بخر.

(22) Let him buy the car.

بگذار ماشین را بخرد.

به گفته تاکاهاشی (۲۰۱۲: ۸۷) در ساخت متعارف، مخاطب گفته امری نخست باید کنش‌گر بالقوه عمل باشد و دوم هویت مشخص و منفرد داشته باشد و به همین دلیل ساخت متعارف همیشه دوم شخص خواهد بود؛ اما ساخت متعارف حاوی ویژگی‌های صوری خاصی نیز هست؛ برای مثال گاه حاوی علامت مطابقت خاص یا ترتیب خاصی از سازه‌ها در سطح جمله است. با در نظر گرفتن این ابعاد صوری و معنایی می‌توان شبکه روابط ساختاری را میان ساخت‌های امری متعارف، غیر متعارف و راهبردهای امری ترسیم کرد. چنان‌که گفته شد، ساخت غیر متعارف نیز نخست باید حاوی معنای اولیه رهنمودی بوده و دوم در توزیع تکمیلی با ساخت امری متعارف باشد.

همه معیارهای ساختاری در الگوی اوئرا^۱ و همکاران (۲۰۰۵ الف و ب) به صورت انگاره‌های تجانس صوری^۲ و درجات بیشینگی^۳ و کمینگی^۴ تبیین می‌شوند و این انگاره‌ها صیغگان امری در هر زبانی را ترسیم می‌کنند. مراد از تجانس صوری، یکسان بودن صورت دستوری و ساخت‌واژی انواع جملات امری است؛ به دیگر سخن، اگر دو ساخت امری (برای مثال ساخت دوم شخص مفرد و سوم شخص مفرد) دارای ویژگی‌های صوری یکسان (مانند ترتیب سازه‌ها، علائم مطابقت یا وندهای اشتقاقی خاص) باشند، تجانس صوری دارند.

رابطه بین عناصر هر صیغگان امری برحسب تجانس صوری آن‌ها با دوم شخص مفرد به دو صورت

1. J. Van Der Auwera
2. formal homogeneity
3. maximality
4. minimality

کمینه و بیشینه بیان می‌شود. براساس این، زبانی دارای صیغگان بیشینه امری است که ساخت‌های امری آن برای همه اشخاص و شماره‌ها ویژگی‌های صوری مشترک با صیغه دوم‌شخص داشته باشند؛ اما در صورتی که هسته امری (ساخت دوم‌شخص) از معیارهای صوری خاصی استفاده کند که با ویژگی‌های صوری ساخت‌های دیگر (اشخاص غیر دوم‌شخص) متفاوت باشد، آن ساخت حاوی صیغگان کمینه است. این بدان معنا است که هسته امری فقط برای دوم‌شخص قابل اعمال است و سایر صیغه‌ها امری متعارف نبوده و به تعبیر جری و کیسینه (۲۰۱۴) نوعی راهبرد امری یا ترغیبی هستند.

گسترش ویژگی‌های صوری از دوم‌شخص به دیگر اشخاص می‌تواند غیر متقارن نیز باشد؛ برای مثال ممکن است ساخت امری برای دوم‌شخص و سوم‌شخص مشترک بوده و سایر صیغه‌ها با صورت‌های دیگری بیان شود. در واقع توزیع و گسترش ویژگی‌های صوری هسته امری در شبکه صیغگان زبان می‌تواند تنوع‌های زیادی را به خود بگیرد.

حالت‌های گوناگون صیغگان امری در زبان‌ها در جدول (۱) (مأخوذ از اوئرا و دیگران، ۲۰۰۵ الف و ب) نشان داده شده است:

جدول (۱). حالات گوناگون صیغگان امری

۱	زبان ساختار بیشینه دارد، اما ساخت کمینه ندارد.
۲	زبان ساخت کمینه دارد، اما ساخت بیشینه ندارد.
۳	زبان هم ساخت بیشینه و هم ساخت کمینه دارد.
۴	زبان نه ساخت بیشینه و نه ساخت کمینه دارد.

در حالت (۱)، کل صیغگان امری ویژگی‌های صوری ساخت متعارف (دوم‌شخص) را داشته؛ بنابراین ساخت امری بیشینه است. در این حالت، ساخت کمینه وجود ندارد؛ زیرا هیچ ساخت منحصر به فردی برای یک شخص خاص در صیغگان اختصاص داده نشده است و همه ساخت‌ها ویژگی‌های صوری مشترک دارند (ساخت بیشینه حاکم بر تمام صیغه‌ها). در حالت (۲)، اگرچه ساخت متعارف حاوی ویژگی‌های صوری خاصی است (ساخت کمینه)، اما دیگر ساخت‌ها (برای دیگر اشخاص) فاقد ویژگی‌های مشترک هستند؛ به عبارت دیگر، فاعل‌های غیر دوم‌شخص از ساخت‌های امری مختلفی استفاده می‌کنند (فقدان ساخت بیشینه). در حالت (۳)، فاعل دوم‌شخص از صورتی ویژه برای بیان امر بهره می‌برد (ساخت کمینه) و تمام فاعل‌های غیر دوم‌شخص برای القای مفهوم امری، از ساختی خاص (و متفاوت با ساخت کمینه) استفاده می‌کنند (حضور ساخت بیشینه برای صیغه‌های غیر دوم‌شخص).

حالت (۴) نیز به شرایطی اشاره دارد که فاعل‌های دوم‌شخص و سوم‌شخص ساخت امری مشترکی دارند، ولی سایر فاعل‌ها دارای ساختی متفاوت هستند؛ بنابراین هیچ ساختی نه کمینه و نه بیشینه است.

۳- تحلیل ساخت امری در فارسی

همان‌گونه که بیان شد، برای تحلیل نظام امری در هر زبانی ابتدا باید هسته امری، یعنی صیغه دوم‌شخص مفرد آن بررسی شود. در زبان فارسی ساخت امری با فاعل دوم‌شخص مفرد حاوی ویژگی‌های دستوری خاصی است که آن را از سایر اعضای نظام صیغگان امری جدا می‌سازد. در واقع فعل امر برای فاعل دوم‌شخص مفرد افزون بر پیشوند التزامی «ب» دارای علائم مطابقت خاص خود نیز هست که با برابرندهای خبری و پرسشی آن بسیار متفاوت است؛ بنابراین دو مشخصه (پیشوند التزامی و علائم مطابقت) نشان‌گر این هستند که ساخت امری متعارف و هسته‌ای برای دوم‌شخص مفرد در فارسی وجود دارد. مثال‌های زیر این نکته را به روشنی نشان می‌دهند:

(۲۳) بنویس! (امری)

(۲۴) می‌نویسی. (خبری)

(۲۵) می‌نویسی؟ (پرسشی)

با دقت در مثال‌های پیش‌گفته روشن می‌شود که نخست فعل امری در تقابل با افعال خبری و پرسشی دارای پیشوند التزامی بوده و دوم اینکه این فعل در زمان حال برای مطابقت با فاعل دوم‌شخص مفرد از علامت مطابقت تهی نیز استفاده می‌کند. این در حالی است که افعال خبری و پرسشی برای مطابقت با فاعل دوم‌شخص مفرد در زمان حال از علامت مطابقت «ی» استفاده می‌کند؛ اما ساخت امری برای سایر صیغه‌ها یعنی فاعل‌های دوم‌شخص جمع، اول‌شخص مفرد و جمع و سوم‌شخص مفرد و جمع به‌طور عمده مبتنی بر پیشوند التزامی است و در این موارد علائم مطابقت ویژه نیز وجود ندارد؛ به عبارت دیگر، علامت مطابقت در این ساخت‌های امری با علامت مطابقت در برابرندهای خبری و پرسشی آن‌ها یکسان است؛ بنابراین، اصلی‌ترین ویژگی متمایز امری در این ساخت، پیشوند التزامی است. برای تشریح این نکته به مثال‌های زیر (شامل جمله امری و برابرندهای خبری آن) توجه می‌کنیم:

(۲۶) تکالیف را تحویل بدهید. (امری دوم‌شخص جمع)

تکالیف را تحویل می‌دهید. (خبری)

۱. این پیشوند در صورت‌های مثبت افعال مرکب الزامی نیست، مانند خراب کن، تکرار کنید.

- (۲۷) تو ماشینت بفروش / بفروشی، حسن هم خونه‌ش بفروشه. (امری سوم شخص مفرد)
تو ماشینت می‌فروشی و حسن هم خونه‌ش می‌فروشه. (خبری)
- (۲۸) بین‌التعطیلین برن خونه، ولی صبح روز بعدش اینجا باشند. (امری سوم شخص جمع)
بین‌التعطیلین میرن خونه، ولی صبح روز بعدش اینجا هستند. (خبری)
- (۲۹) آقا بریم دیگه؛ دیروقته. (امری اول شخص جمع)
ما میریم دیگه؛ دیروقته. (خبری)
- (۳۰) من برم دیگه؛ فردا کلی کار دارم. (امری اول شخص مفرد)
من میرم دیگه؛ فردا کلی کار دارم. (خبری).

همان‌گونه که از مثال‌های پیش‌گفته روشن است، فعل امر برای صیغه‌های غیر دوم شخص مفرد دارای پیشوند التزامی بوده و علامت مطابقت ممیزه‌ای ندارد. علت اینکه نشانه امر در این صیغه‌ها پیشوند التزامی نامیده شد، آن است که این پیشوند در ساخت‌های دیگر نیز ظاهر می‌شود که به‌طور عمده مشروط به برخی عمل‌گرهای واژگانی است؛ برای مثال در ساخت‌های شرطی این پیشوند با عملگر واژگانی «اگر» ظاهر می‌شود و در ساخت‌های آرزویی با عملگر «کاش» می‌آید، مانند نمونه‌های زیر:

(۳۱) اگر به خانه برود، او را می‌بیند.

(۳۲) کاش به خانه برود.

اگر بخواهیم ساخت امری مبتنی بر پیشوند التزامی را در زبان فارسی به‌صورت صیغگان صرف کنیم، فهرست زیر را خواهیم داشت که فاقد صیغه دوم شخص مفرد است؛ زیرا چنان‌که دیده شد، فعل امر دوم شخص مفرد، ساختی مستقل با علائم ممیزه است.

(۳۳) بخرم ϕ بخرد بخیرم بخیرید بخرنید

و ندر اوئرا (۲۰۰۶: ۵۶۵) این ساخت امری (مبتنی بر پیشوند التزامی) را گونه کلی‌تر امری می‌نامد.

درواقع این ساخت پیشینه‌ای است که کل صیغگان به‌جز دوم شخص مفرد را پوشش می‌دهد. گفتنی است صیغگان پیش‌گفته می‌تواند با فعل دستوری‌شده «بگذار» همراه شود که در هر پنج صیغه یکسان است. در این صورت بار امری فعل کاهش یافته و جنبه تقاضا یا اجازه می‌یابد.

(۳۴) بگذار بخرم ϕ بگذار بخرد بگذار بخیرم بگذار بخیرید بگذار بخرنید

با این مقدمات اکنون می‌توان صیغگان امری رایج در زبان فارسی را توصیف کرد. با دقت در جدول

(۱) می‌توان زبان فارسی را از گونه سوم زبان‌های دنیا دانست؛ به عبارت دیگر، زبان فارسی حاوی یک ساخت کمینه و یک ساخت بیشینه امری است. ساخت امری دوم‌شخص مفرد، ساخت کمینه است، زیرا فقط برای همین صیغه به کار می‌رود؛ اما ساخت امری مبتنی بر پیشوند التزامی، ساخت امری بیشینه است؛ زیرا برای تمام اشخاص (به‌جز دوم‌شخص مفرد) به کار می‌رود.

افزون بر این دو ساخت امری، راهبردهای دیگری نیز برای بیان امر در زبان فارسی استفاده می‌شود. منظور از راهبرد امری در نوشتار پیش رو آن است که کاربرد اصلی این ساخت برای بیان امر نیست، بلکه برای بیان ترغیب و تهییج است. از آن جمله می‌توان به برخی ساخت‌های تحلیلی^۱ اشاره کرد که در آن‌ها افعال حرکتی مانند «رفتن» و «آمدن»، دست‌خوش دستوری‌شدگی قرار گرفته، معنی اولیه خود را از دست داده و در ترکیب با فعل اصلی جمله معنای رهنمودی و آمرانه را القا می‌کنند (نغزگوی کهن و تابش فر، ۱۳۹۷). این ساخت‌ها را غالباً ساخت افعال دوگانه می‌نامند.

راسخ‌مهند (۱۳۹۳) معتقد است که افعال دستوری‌شده در این راهبرد به‌طور عمده نمود آغازی^۲ و همچنین معانی مربوط به قصد و اراده را القا می‌کنند و در نتیجه برای بیان معانی فرمان و امر مناسب هستند. در راهبرد مبتنی بر فعل «رفتن»، این فعل طی فرایند دستوری‌شدن به عمل‌گر شبه‌امر تبدیل شده که همراه با فعل اصلی جمله معنای امر یا رهنمود را می‌رساند. در زیر مثال‌هایی از این راهبرد را دیده می‌شود:

(۳۵) بروم به زندگی‌ام سر و سامان بدهم.

(۳۶) برو به زندگی‌ات سر و سامان بده.

(۳۷) برو به زندگی‌اش سر و سامان بدهد.

ساخت یادشده، با اینکه معنای رهنمودی و آمرانه دارد؛ اما به‌هیچ‌وجه نمی‌توان آن را ساخت امری دانست، زیرا در رابطه توزیع تکمیلی با فاعل دوم‌شخص مفرد نیست. همان‌گونه که از مثال‌های پیش‌گفته روشن است، ساخت یادشده برای تمام صیغگان (از اول‌شخص مفرد تا سوم‌شخص جمع) استفاده می‌شود و به همین دلیل آن را باید راهبردی امری و نه ساخت ویژه امری دانست. در واقع این ساخت معنای امری محض نداشته و بیشتر حالت ترغیبی دارد.

راهبرد دوم براساس فعل دستوری‌شده «آمدن» پدید آمده است. «آمدن» نیز در این ساخت دستوری‌شده

و در ترکیب با فعل اصلی معنای امری را القا می‌کند. در زیر مثال‌هایی از این ساخت قابل مشاهده است:

(۳۸) بیایم نامه را امضا کنیم.

(۳۹) بیا نامه را امضا کن.

(۴۰) بیاید قسط‌هایش را بدهد.

(۴۱) بیایید/ بیاییم خانه را تعمیر کنیم.

(۴۲) بیایید ماشین را تعمیر کنید.

(۴۳) بیایند خانه را پس بدهند.

این ساخت نیز مانند ساخت قبل به‌طور عمده معنای ترغیبی دارد، اما نکته جالب توجه این است که حضور فاعل اول‌شخص مفرد در این ساخت کاملاً نشان‌دار است. دلیل این امر این است که این ساخت عمدتاً برای تشویق مخاطب استفاده می‌شود و فرد سخنگو به‌طور معمول خود را ترغیب نمی‌کند؛ اما این ساخت در حالت ترکیب با اول‌شخص جمع می‌تواند به دو صورت ظاهر شود. در حالت اول فعل «آمدن» با فاعل دوم‌شخص جمع صرف شده و فعل اصلی برای اول‌شخص جمع صرف می‌شود؛ اما در حالت دوم هر دو فعل «آمدن» و فعل اصلی برای اول‌شخص جمع صرف می‌شوند و جمله در حالت اول طبیعی‌تر به نظر می‌رسد؛ البته نشان‌داری با توجه به شم افراد، به‌طور عمده حالت مدرج داشته و مطلق نیست. این ساخت اگرچه در ترکیب با فاعل اول‌شخص جمع لزوماً غیر دستوری نیست، اما میل به تهییج مخاطبی غیر از سخنگو دارد؛ این ساخت با فاعل دوم‌شخص مفرد نیز آمده؛ بنابراین در توزیع تکمیلی با ساخت امری متعارف نیست و به همین دلیل باید آن را راهبرد امری و نه ساخت امری دانست.

شایان ذکر است که زبان فارسی راهبردهای متعدّد دیگری نیز برای القای معنای امر دارد که ساخت‌های وجهی، پرسشی و حتی خبری نیز از آن جمله هستند؛ اما از آنجاکه تمرکز نوشتار حاضر بر ساخت امری و ساخت‌های تحلیلی است، تنها به توصیف مختصری از این موارد بسنده می‌شود. یکی از راهبردهای متداول برای بیان معنای امر، استفاده از افعال وجهی است. بدیهی است که انواع متفاوت این افعال درجات متفاوتی از فرمان را القا می‌کنند. این ساخت با تمام اشخاص (اول‌شخص، دوم‌شخص و سوم‌شخص) ظاهر شده؛ بنابراین رابطه ساختاری با ساخت امری متعارف ندارد. در زیر

مثال‌هایی از این ساخت را می‌بینیم.

(۴۴) باید بروم.

(۴۵) باید بروی.

(۴۶) باید برود.

این ساخت‌ها البته بیش از آنکه معنای امر را القا کنند، بیان‌گر الزامات قانونی یا اخلاقی هستند. راهبرد دیگر برای بیان امر، استفاده از جمله خبری است. این ساخت در صورتی استفاده می‌شود که گوینده بخواهد فرمان را به صورت واقعیتهای مطلق یا امری تخطی‌ناپذیر جلوه دهد. در زیر مثالی از این ساخت دیده می‌شود:

(۴۷) - قبل از او مدن مهمون‌ها خونه رُ تمیز کن.

- من اون ساعت درس دارم.

- خونه رُ قبل از او مدن مهمون‌ها تمیز می‌کنی.

در نهایت باید اشاره کرد که ساخت پرسشی نیز گاهی به صورت راهبرد امری برای بیان امر به صورت غیر مستقیم استفاده می‌شود. در این حالت فرد گوینده برای رعایت ادب از این ساخت بهره می‌برد. مثال زیر گویای این ساخت است.

(۴۸) همیشه خونه رُ قبل از او مدن مهمون‌ها تمیز کنی؟

البته همان‌گونه که گفته شد، راهبرد امری اختصاص به ایفای نقش امری ندارد، بلکه بیان امر تنها از معانی و نقش‌های فرعی و ثانویه آن است.

۵- نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر کوشیدیم صیغگان امری را با رویکردی رده‌شناختی توصیف کنیم. با تحلیل داده‌ها روشن شد که زبان فارسی برای دوم‌شخص مفرد، دارای ساخت امری متعارف است که دو ویژگی مهم دارد: اول اینکه دارای پیشوند التزامی است و دوم اینکه علائم مطابقت خاصی دارد. این ساخت، هسته امری را در فارسی تشکیل می‌دهد؛ از سوی دیگر تحلیل داده‌ها نشان داد که در مقابل این ساخت متعارف و کمینه، ساختی بیشینه نیز وجود دارد که با کمک پیشوند التزامی معنای امر را القا می‌کند و برای تمام اشخاص غیر از دوم‌شخص مفرد به کار می‌رود. تقابل ساختاری این دو ساخت، صیغگان امری را در زبان فارسی پدید می‌آورد که حاوی یک ساخت کمینه برای دوم‌شخص مفرد و ساخت

بیشینه برای سایر اعضای صیغگان است. بررسی توزیع این دو ساخت نشان از توزیع تکمیلی آن‌ها در صیغگان امری دارد.

همچنین نشان دادیم که چهار ساخت تحلیلی در زبان فارسی وجود دارد که بیان معانی امری و فرمانی از نقش‌های ثانویه آن است. این ساخت‌ها را راهبرد امری نامیدیم، به این دلیل که اولاً به‌طور عمده برای تمام اشخاص به‌کار می‌روند و ثانیاً معنا و نقش اولیه آن‌ها بیان معنای رهنمودی و امری نیست. این ساخت‌ها عمدتاً مبتنی بر افعال حرکتی بوده و معنای ترغیبی داشته و البته در بافت‌هایی معنای تلطیف‌شده امری را نیز القا می‌کنند. ساخت اول مبتنی بر فعل حرکتی «رفتن» است که در ترکیب با فعل اصلی جمله، معنای ترغیبی را القا می‌کند و برای تمام اشخاص به‌کار می‌رود. ساخت دوم مبتنی بر فعل حرکتی «آمدن» بوده و با اغلب اشخاص ظاهر می‌شود؛ البته با فاعل اول‌شخص محدودیت باهم‌آیی دارد. دلیل این امر آن است که این‌گونه از ترغیب به‌طور عمده برای اشخاصی غیر سخنگو به‌کار می‌رود. ساخت سوم نیز براساس فعل دستوری‌شده «گذاشتن» بوده و برای بیان معانی رخصت و گاهی هشدار استفاده می‌شود. در برخی بافت‌ها می‌توان از این ساخت برای بیان فرمان با درجه بسیار کم و نازلی بهره برد؛ از سوی دیگر این ساخت نیز با بیشتر اشخاص ظاهر می‌شود.

درنهایت در نوشتار پیش رو به سه راهبرد امری پرکاربرد دیگر، یعنی ساخت وجهی، ساخت خبری و ساخت پرسشی نیز اشاره شد که برای بیان امر به‌کار می‌روند و هر یک معنای خاصی را القا می‌کنند. ساخت خبری برای بیان معنای امری با قاطعیت بالا و فوری استفاده می‌شود. ساخت پرسشی برای بیان امر در حالت غیر مستقیم و با درجه تحمیل پایین به‌کار می‌رود. بالاخره ساخت وجهی را که به‌طور عمده برای بیان الزامات اخلاقی و قانونی به‌کار می‌رود، می‌تواند برای بیان معنای امری نیز استفاده شود. این راهبردهای امری تنها به‌صورت فرعی و در بافت‌های خاصی در راستای القای معنای فرمان به‌کار می‌روند.

منابع

- دبیرمقدم، محمد و مریم شوقی (۱۳۹۷). توصیف و تحلیل ساخت امری در زبان فارسی معاصر از نظر شناختی. *زبان و زبان‌شناسی*. (۲۸)، ۵۳-۷۳.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۳). پیدایش افعال دوگانه در زبان فارسی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. (۷)، ۷۰-۹۵.
- عباسی، زهرا و محبوبه باقری (۱۳۹۵). تحلیل رده‌شناختی ساخت امری در زبان فارسی. *زبان‌کاوی*. (۳)، ۱۵-۳۶.
- مغانی، حسین (۱۳۹۷). معنی‌شناسی جملات امری در فارسی. *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*. (۲۱)،

.۱۲۶-۹۹

ملکی ارفعی، فرزانه، مجتبی منشی‌زاده، حیات عامری و فردوس آقاگل‌زاده (۱۳۹۸). بازنمایی انواع وجه امری در زبان فارسی: رویکرد شناختی. *پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان*. سال هشتم، (۱)،

.۲۰۰-۱۸۳

نغزگوی کهن، مهرداد و تابش‌فر، لیلا (۱۳۹۷). نقش افعال حرکتی و سببی در ساخت امری تکریمی از منظر دستوری‌شدگی. *پژوهش‌های زبانشناسی تطبیقی*. (۱۵)، ۱۷۴-۱۵۹.

References

- Abbasi, Zahra & Mahboubeh Bagheri (2016). A Typological Analysis of Imperative Construction in Persian. *Zabankavi* 3:15-36 (In Persian).
- Aikhenvald, A. & Dixon, R. (2017). *Commands: A Cross-Linguistic Typology*. Oxford: Oxford University Press.
- Aikhenvald, A. (2010). *Imperatives and Commands*. Oxford: Oxford University Press.
- Aikhenvald, A. (2017). Imperatives and Commands: A Cross-linguistic View. In, *Commands: A Cross-Linguistic Typology*, A. Aikhenvald & R. Dixon (eds). 1-40. Oxford: Oxford University Press.
- Birjulin, L. & Xrakovskij, V. (2001). Imperative sentences: Theoretical problems. In, *Typology of Imperative Constructions*, V. Xrakovskij (ed.), 3-50. Munich: Lincom.
- DabirMoghadam, Mohammad & Maryam Shoghi (2019). Description and Analysis of the Imperative Construction in Persian: A Cognitive Approach. *Zaban-o-Zabanshenasi*, 28: 29-73 (In Persian).
- Huddleston, R. (1984). *Introduction to the Grammar of English*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jary, M. & Kissine, M. (2014). *Imperatives*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jary, M. & Kissine, M. (2016). When terminology Matters: The Imperative as a Comparative Concept. *Linguistics* 54 (1): 119-148.
- Lyons, J. (1977). *Semantics* Vol. 2. New York· Melbourne: Cambridge University Press.
- MalakiArfai, Farzane, Mojtaba Monshizadeh, Hayat Ameri, & Ferdous Aghagolzadeh (2019). Representation of Types of Imperative Mood in Persian Language:Cognitive Approach. *Pazhuheshname-ye Amouzeshe-e Zaban-e Farsi be Gheyr-e Farsi Zaban*, (8) 1: 183-200 (In Persian).
- Moghani, Hossein (2018). On the Semantics of Imperatives in Persian. *Motale'at-e Zaban-ha va Guyesh-haye Gharb-e Iran*, 21: 99-126 (In Persian).
- Naghzouye Kohan, Mehrdad & Leila Tabeshfar (2018). Function of motion and causative verbs on creating honorific in grammaticalization perspective. *Pazhuhesh-haye Zabanshenasi-e Tatbighi*, 15:159-174 (In Persian).
- Rasekh Mahand, Mohammad (2014). The emergence of double verbs in Persian. *Pazhuhesh-haye Zabanshenasi-e Tatbighi*, 7: 69-95 (In Persian).
- Sadock, J. M. & Zwicky, M. (1985). Speech act distinctions in syntax. *Language Typology and Syntactic Description. Vol. I: Clause Structure*. T. Shopen (ed.). Cambridge: Cambridge University Press: 155-196.

- Searle, J. (1976). A Classification of Illocutionary Acts. *Language in Society*. pp.: 1-23.
- Takahashi, H. (2012). *A Cognitive Linguistic Analysis of the English Imperative. With Special Attention to Japanese Imperatives*. Amsterdam: John Benjamin.
- Van Der Auwera, J.; Lejeune, L.; Pappuswamy, U. & Goussev, V. (2005 a). The Morphological Imperative. In *The World Atlas of Language Structures*, Martin Haspelmath, Matthew S. Dryer, David Gil & Bernard Comrie (eds). 286- 289. Oxford: Oxford University Press.
- Van der Auwera, J.; Dobrushina, N. & Goussev, V. (2005 b). Imperative-hortative systems. In *The World Atlas of Language Structures*, Martin Haspelmath, Matthew S. Dryer, David Gil & Bernard Comrie (eds), 294–297. Oxford: Oxford University Press.
- Van der Auwera, J. (2006). Imperatives. In *Encyclopedia of Language and Linguistics*, Keith Brown (ed.), 565–567. Amsterdam: Elsevier.
- Van der Auwera, J.; Dobrushina, N. & Goussev, N. (2004). A Semantic Map for Imperative-Hortatives. In *Contrastive Analysis in Language. Identifying Linguistic Units of Comparison*, Dominique Willems, Bart Defrancq, Timothy Coleman & Dirk Noël (eds), 44–66. New York: Palgrave Macmillan.